



Guidelines on Quality Assurance Framework of the Ministry of Higher Education: A Critical Analysis

Mohammad Reza Darmani

To cite this article: Darmani, Mohammad Reza. "Regulation on post-graduate degree programs: A critical legal analysis", *Kardan Journal of Law*, (2021), 3 (1), 16-35. DOI: 10.31841/KJL.2021.15

To link to this article: <http://dx.doi.org/10.31841/KJL.2021.15>



© 2022 The Author(s). This open access Article is distributed under a Creative Commons Attribution (CC-BY) 4.0 license



Published online: 25 December 2021



Submit your article to this journal

Guidelines on Quality Assurance Framework of the Ministry of Higher Education: A Critical Analysis

Kardan Journal of Law
3 (1) 16–35

©2021 Kardan University
Kardan Publications
Kabul, Afghanistan

<http://dx.doi.org/10.31841/KJL.2021.15>
<https://kardan.edu.af/KJL>

Mohammad Reza Darmani

Received: 20 July 21
Revised: 25 Sep 21
Accepted: 20 Nov 21
Published: 25 Dec 21

Abstract

Higher education is one of the most significant factors for the development of the nations and its quality assurance has changed in to an important matter in the higher education management and Afghan higher education is no exception. This Analytical-Descriptive research has been conducted in a “Critical Implementing Manner” based on “structural and tasks guidelines of capacity building programs”. On account of the effective legal and executive measures for the quality assurance there seem to be challenges on the way. The research finds out; legal challenges; lack of binding legal instrument, existence of institutions with vague and parallel duties, lack of independent monitoring body from the quality assurance process, lack of hearing complaints created in the process and the executive challenges; existence of vague and general standards in the checklists, short term turnover of the checklists, dependent combination of the assessing committees, lack of accurate need evaluating procedure for defining standards and drafting the checklists and finally lack institutionalized quality promoting culture are the reasons disturbing it to reach the targets for the quality assurance of the higher education in the country.

Keywords: *Afghanistan, Quality Assurance, Legal Challenges, Execution Challenges*

تحلیل ابعاد حقوقی و کاربردی "رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه های ارتقای کیفیت" وزارت تحصیلات عالی

محمد رضا درمانی

چکیده

تحصیلات عالی یکی از مهمترین عامل پیشرفت و توسعه ای ملت ها بوده که تضمین و ارتقای کیفیت آن نیز به یکی از مسایل مهم در مدیریت تحصیلات عالی تبدیل شده است و نظام تحصیلات عالی افغانستان نیز از این قاعد مستثناء نمی باشد. تحقیق حاضر با روش تحلیلی- توصیفی (بارویکرد انتقادی و تطبیقی) بر محوریت "رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه های ارتقای کیفیت" صورت گرفته است. به رغم تلاش های مفید و موثر در زمینه های تقنینی و اجرایی تضمین و ارتقای کیفیت، به نظر می رسد چالش های نیز فراروی آن وجود دارد. براساس یافته های تحقیق؛ چالش های حقوقی چون؛ نبود سند تقنینی الزام آور، موجودیت نهادهای با صلاحیت موازی و مبهم، عدم موجودیت مرجع مستقل نظارت کننده از کلیت فرایند تضمین و ارتقای کیفیت، فقدان مرجع شکایات ناشی از روند متذکره و همچنان چالش های کاربردی مانند؛ موجودیت معیارهای مبهم و کلی در چک لیست ها، تغییر زود هنگام چک لیست ها، ترکیب غیر مستقل کمیته های بررسی کننده، نبود یک پروسه نیاز سنجی دقیق برای تعریف معیارها و تدوین چک لیست ها و در نهایت نبود فرهنگ نهادینه شده ی ارتقای کیفیت، مواردی است که مانع رسیدن به هدف مطلوب (تضمین و ارتقای کیفیت تحصیلات عالی در کشور) محسوب می گردد.

واژگان کلیدی: افغانستان، ارتقای کیفیت، تضمین کیفیت، چالش حقوقی و چالش کاربردی.

مقدمه

با توجه به پیشرفت جوامع انسانی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مبتنی بر دانش توسعه ای، بیش از هر وقت دیگر بحث تضمین کیفیت آموزش به خصوص در مقطع تحصیلات عالی که تأمین کننده ای تخصص دارندگان آن در بخش های مختلف می باشد را به یک امر مهم و اساسی نهاد های؛ ارائه کننده این خدمات علمی (پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی) و همچنان نهادهای پالیسی ساز و نظارت کننده (حکومت به خصوص وزارت تحصیلات عالی) تبدیل نموده است. با در نظر داشت شرایط کنونی افغانستان که محصول دهه ها جنگ و نا بسامانی سیاسی و فرهنگی بوده، قواعد موجود در این زمینه نیز جدید و نوپا می باشند، تحقیق و بررسی ای همه جانبه و انتقادی این قواعد و مقررات، خلق آثار علمی مکتوب از سوی نویسندگان و پژوهشگران باعث برجسته سازی این خلاها و نواقص شده، در صورت توجهی نهادهای پالیسی ساز باعث اصلاح قواعد و پالیسی های موجود خواهد شد. پرسش های تحقیق حاضر چنین مطرح می گردد که چالش های حقوقی و کار بردی فرا روی رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه های ارتقای کیفیت چیست؟ به نظر می رسد که رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه های ارتقای کیفیت که بعد از این در تحقیق حاضر بنام رهنمود ارتقای کیفیت یاد می شود، جایگاه مشخص حقوقی و تعریف شده نداشته و به لحاظ کاربردی نیز با چالش های چون شکل محوری و عدم سازگاری آن با واقعیت های اجتماعی موجود مواجه می باشد.

تحقیق کنونی از آنجا دارای اهمیت است که هرگونه تغییر و اصلاحات در رهنمود مورد مطالعه، به اثر تحقیق و پژوهش های علمی، شاهد تغییرات در بخش های دیگری چون؛ تأمین محیط سالم آموزشی، ایجاد نصاب تحصیلی به روز، مطابق به اقتضات زمان و معیار های بین المللی، ارائه تدریس مؤثر و نتیجه محور و تقدیم دانش آموخته گان فعال، خلاق و تأثیر گذار به اوضاع جامعه خواهیم بود، از سوی دیگر باز نمودن باب تحقیق در مسایل مهم و اساسی جامعه به خصوص پروسه تضمین کیفیت و اعتبار دهی مؤسسات تحصیلات عالی، ضمن ایجاد فرصت نقد و بررسی، باعث ترویج و ارتقای فرهنگ تحقیق و پژوهش نیز خواهد شد که نشان دهنده اهمیت ذاتی آن می باشد. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی و با جمع آوری اطلاعات به طرق کتابخانه ای استفاده شده و به دلیل عدم موجودیت و دست رسی نداشتن به جامعه آماری و احصائیوی از یک سو و اندک بودن فرصت از سوی دیگر بیشتر رویکرد کیفی مورد توجه قرار گرفته است.

۲. مفاهیم و کلیات

آموزش عالی در اغلب کشورها با پدیده های جهانی شدن اقتصاد، رشد سریع فن آوری اطلاعات و ارتباطات، افزایش تقاضا برای ورود به تحصیلات عالی و نیز کاهش منبع مالی رو به رو شده است بنابراین این کشورها برای پاسخگو ساختن مؤسسات تحصیلات عالی و شفاف کردن امور آنها کوشش ویژه ای را به منظور طراحی و

استقرار ساز و کارهای نو در ارزیابی تحصیلات عالی به عمل آورده اند.¹ تضمین کیفیت به مثابه روند مورد پذیرش و قابل قبول جهت بالابردن کیفیت تحصیلات عالی و متناسب سازی آن با اقتضائات کنونی ملی و بین المللی نظام تحصیلات عالی، مورد توجهی دست اندرکاران این بخش قرار گرفته است، تحقیق کنونی که نیز در صدد بررسی انتقادی "رهنمود ارتقای کیفیت" در ابعاد حقوقی و کاربردی آن است. از این رو ضروری به نظر می رسد که قبل از ورود به اصل مسئله (بررسی انتقادی رهنمود ارتقای کیفیت) یک سلسله مفاهیم مرتبط به این بحث مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۲-۱. مفاهیم

نخستین مفهوم که در کنار سایر مفاهیم می تواند ذهن خواننده را به خود معطوف سازند کلمه کیفیت و تضمین کیفیت خواهد بود که ذیلاً به آن پرداخته می شود:

۲-۱-۱. کیفیت

طبق دیدگاه سازمان بین المللی استاندارد²، کیفیت عبارت است از مجموعه ویژگی ها و خصوصیات یک فرآورده یا خدمتی که بیانگر توانایی آن در برآوردن خواسته های بیان شده و یا اشاره شده باشد.³ با توجه به این تعریف کیفیت در تحصیلات عالی به معنی تأمین همان ویژگی های می باشد که باعث بر آورده شدن خواسته های داوطلبان این بخش مطابق به اهداف و دیدگاه های که پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی برای ارائه خدمات علمی شان تعریف می نمایند، می باشد.

۲-۱-۲. تضمین کیفیت

یک اصطلاح فراگیر و اشاره کننده به ارزیابی مستمر کیفیت نظام، مؤسسات یا برنامه های آموزش عالی است و به عنوان یک ساز و کار منظم بر پاسخ گویی و بهبود بر اساس ارائه اطلاعات و قضاوت از طریق یک فرایند منسجم و توافق شده و معیارهای مناسب تمرکز می نماید و اغلب به عنوان بخشی از مدیریت کیفیت آموزش عالی در نظر گرفته می شود. و می توان تضمین کیفیت را شامل کلیه خط مشی ها، سیاست گذاری ها، فرایندها و فعالیت های برنامه ریزی شده که از طریق آنها کیفیت آموزش عالی حفظ، ارتقاء، و توسعه می یابد دانست⁴

1- مهدی سبحانی نژاد و عبدالله افشار، تبیین ماهیت و مولفه های کیفیت سنجی نظام آموزش عالی به منظور شناخت چالشها و طرح پاره ای راهکارهای نوآورانه، فصل نامه دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، (4، زمستان 1387)، ص 67

2 - The International Organization for Standardization

3- رویا پرند و عباسعلی قیومی، تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی، پنجمین کنفرانس بین المللی رویکردهای

پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت، ص 2، دسامبر 2017، قابل دست دریافت از <http://www.ichm.ir>

رضا محمدی و همکاران، بررسی تطبیقی نظام های ممیزی کیفیت آموزش عالی در جهان (مفاهیم، معیارها، فرایند)،

۳-۱-۲. بررسی تضمین کیفیت

فرایند سیستماتیک و هدفمند بررسی و تحلیل ساختار، رویه ها، فرایندها و سازوکارهای مورد استفاده در مؤسسات آموزش عالی جهت اطمینان از تحقق مأموریت و اهداف بیان شده مؤسسه که سه کار کرد اصلی آموزش، پژوهش و عرضه خدمات تخصصی را در بر می گیرد. و یا به عبارت دیگر نظام ارزیابی و تضمین کیفیت هریک از حوزه های مذکور را مورد ارزیابی قرار می دهد.^۵ قابل یادآوری است که تضمین کیفیت بیشتر یک نگاه ارزشی بوده و شامل سلسله اقدامات و عملیات معین و مشخص (تعیین و تعریف معیارها برای تأمین، ارتقاء و سنجش کیفیت در نظام آموزش عالی) می باشد تا از این طریق قدرت (کیفیت) پاسخگویی نظام آموزش عالی را به نیازهای جامعه در یک نقطه زمانی و مکانی معین افزایش بدهد، درحالیکه بررسی تضمین کیفیت فرایندیست که سازوکارها و رویه های موجود در پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی و برنامه های آنها مورد بررسی قرار می گیرد، تا معلوم شود که رویه های مؤسسات تحصیلات عالی با اهداف بیان شده آنان تناسب دارد و یاخیر.

۴-۱-۲. اعتبار دهی آکادمیک

سند رسمی است که به منظور اعتبار و درجه بندی مؤسسه تحصیلی ویا برنامه های آن بر اساس اكمال معیارهای کیفی پذیرفته شده جهت کسب اعتبار آکادمیک در سطح ملی و بین المللی اعطا می گردد.^۶ اداره و بورد ارتقای کیفیت و اعتبار دهی آکادمیک: این اداره متشکل از (9) عضو است که از میان استادان مؤسسات تحصیلات عالی که با داشتن شرایط ده سال تجربه فعالیت در امور آکادمیک، رتبه علمی پوهاند ویا پوهنوال، شهرت نیک و اخلاق حمیده، جهت ارتقای کیفیت و اعتبار دهی برای مدت سه سال به پیشنهاد معینیت علمی و منظوری وزیر تحصیلات عالی تعیین می گردد.^۷

۵-۱-۲. معیار تضمین کیفیت

مجموعه مؤلفه ها، شامل معیارها(ملاک ها) و الزاماتی برای قضاوت ضروری و لازم است؛^۸ این معیارها کمک می کند تا مؤسسات از مبنای بررسی عملکرد شان مطلع بوده و از سوی دیگر مسئولین ارزیابی کننده نیز بدانند که براساس چه باید نسبت به چگونگی تضمین کیفیت در نهاد متذکره قضاوت نمود، روی همین ضرورت

- رضا محمدی و همکاران، بررسی تطبیقی نظام های ممیزی کیفیت آموزش عالی در جهان (مفاهیم، معیارها، فرایند)، ص 525

- قانون تحصیلات عالی ملکی، ماده 3، فقرة 15، جریده رسمی، (1195) 6

- قانون تحصیلات عالی، همان، ماده های 52، 53، 54، و رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه های ارتقای کیفیت،

قوس 1396، ص 7.7

- رضا محمدی و همکاران، بررسی تطبیقی نظام های ممیزی کیفیت آموزش عالی در جهان (مفاهیم، معیارها، فرایند)،

ص 528

است که کشورها به این امر یک سلسله معیارها را از قبل تعیین و مشخص می‌کنند. به صورت نمونه می‌توان از شش کشور (انگلیستان، آلمان، عمان، روسیه و افریقای جنوبی) به شمول افغانستان را در جدول ذیل مشاهده نمود.⁹

کشورها	معیارها
انگلیستان	مدیریت مؤسسه ای استاندارد های تحصیلی؛ 2. مدیریت مؤسسه‌های فرصت های یادگیری؛ 3. رویکرد مؤسسه‌ای به ارتقای کیفیت؛ 4. ترتیبات مؤسسه ای برای محصلان و پژوهش تحصیلات تکمیلی؛ 6. اطلاعات منتشر شده.
آلمان	اهداف شایستگی؛ 2. سیستم های مدیریتی برای یاد دهی و یاد گیری؛ 3. سیستم تضمین درونی کیفیت؛ 4. سیستم گزارش دهی؛ 5. مسئولیت پذیری؛ 6. ارائه اسناد.
عمان	اداره امور و مدیریت؛ 2. یاد گیری محصلان براساس برنامه های آموزشی؛ 3. یادگیری محصلان براساس برنامه های پژوهشی (تحقیقاتی)؛ 4. تحقیقات و مشاوره کارکنان؛ 5. مشارکت صنعت و جامعه؛ 6. خدمات پشتیبانی علمی؛ 7. محصلان خدمات پشتیبانی محصلان؛ 8. کارکنان و خدمات پشتیبانی کارکنان؛ 9. خدمات و تسهیلات پشتیبانی عمومی.
روسیه	محتوا و صلاحیت های برنامه های تحصیلی مؤسسه تحصیلات عالی، 2. کارایی فناوری های تحصیلی استفاده شده توسط مؤسسه و روشی که فناوری ها؛ کیفیت برنامه تحصیلی را تحت تأثیر قوامی دهند؛ 3. مدیریت و اداره امور مؤسسه؛ 4. روشی که مؤسسه عملکرد های خود را سازماندهی می کند.
افریقای جنوبی	تناسب اهداف؛ ماموریت اهداف کلی و اهداف جزئی مؤسسه ای در پاسخ به زمینه محلی، ملی و بین المللی اتصال بین برنامه ریزی، تخصیص منابع و مدیریت کیفیت؛ 2. مدیریت کیفیت تحصیلی و یادگیری؛ 3. خدمات پشتیبانی علمی؛ 4. دوره‌های کوتاه مدت، برنامه صادراتی و مشارکتی، برنامه های پیشنهادی در مراکز و شعبه های اقماری؛ 5. صدور گواهینامه؛ 6. مدیریت برنامه؛ 7. طراحی و تصویب برنامه؛ 8. بکارگیری؛ 9. باز بینی برنامه؛ 10. مدیریت سنجش؛ 11. سیستم تعدیل؛ 12. صراحت، درستی و انسجام امور ارزیابی، امنیت و ثبت مستند سازی داده های ارزیابی؛ 13. تصدیق یاد گیری قبلی؛ 14. ترتیبات کیفیت برای تحقیق؛ 15. ترتیبات کیفیت برای آموزش تحصیلات تکمیلی؛ 16. مشارکت اجتماعی؛ 17. الگو بر داری، پیمایش کاربران و مطالعات تأثیر.
افغانستان	بودجه ارتقای کیفیت داخلی؛ 2. دفتر برای واحد ارتقای کیفیت؛ 3. مسئول واجد شرایط برای ارتقای کیفیت داخلی؛ 4. تنظیم طرز العمل ها؛ 5. تدویر یک جلسه آشنایی برای تمامی نهادهای دخیل داخلی در پروسه تنظیم کیفیت؛ 6. تدارک تجهیزات و تکنالوژی مورد نیاز برای دفتر؛ 7. توسعه پلان استراتژیک پنج ساله ارتقای کیفیت؛ 8. دایر نمودن ورکشاپ جهت ترویج ارتقای ظرفیت و ترویج فرهنگ ارتقای کیفیت و بررسی تطابق اهداف آموزشی و فعالیت های مرتبط؛ 9. تکمیل گزارش ارزیابی؛ 10. تدوین پلان استراتژیک ارتقای کیفیت پوهنتون و تهیه گزارش سالانه نظارت از فعالیت ها؛ 11. انکشاف دیتابیس قابل دسترس برای مراجع ذیدخل در امور ارتقای کیفیت؛ 12. موجودیت

- رضا محمدی و همکاران، بررسی تطبیقی نظام های ممیزی کیفیت آموزش عالی در جهان (مفاهیم، معیارها، فرایندها)،

مواد در وب سایت پوهنتون مربوطه؛ 13. آغاز فعالیت ارتقای کیفیت توسط واحد داخلی به منظور ترویج فرهنگ ارتقای کیفیت.	
---	--

(جدول شماره 1)

تجزیه و تحلیل معیارهای تضمین کیفیت و اعتبار دهی تضمین کیفیت کشورهای فوق به شمول افغانستان نشان میدهد که تعداد معیارهای اعتبار دهی در کشورها متفاوت بوده که به صورت خلاصه در جدول ذیل گنجانیده می شود:

شماره	کشور ها	تعداد معیارهای تضمین کیفیت
۱	انگلیستان	6
۲	آلمان	6
۳	عمان	9
۴	روسیه	4
۵	افریقای جنوبی	17
۶	افغانستان	13

(جدول شماره 2)

در جدول فوق دیده می شود که در بین این شش کشور؛ انگلیستان و آلمان دارای کمترین (6) معیار و افریقای جنوبی دارای بیشترین (17) معیار می باشند.

۶-۱-۲. تحصیلات عالی

در نظام حقوقی افغانستان تعریف مشخص از تحصیلات عالی صورت نگرفته است اما از مؤسسات تحصیلات عالی تعریف ارائه گردیده که عبارت اند از "پوهنتون و انستیتوت که به منظور تربیه کادرهای علمی به درجه های تحصیلی لیسانس و بالاتر از آن و تحقیقات علمی فعالیت می نماید"¹⁰. در مقررہ آموزش دوره لیسانس نیز تعریف که از محصل ارائه می گردد چنین است "محصل شخصی است که جهت کسب دانش و مهارت ها به سویه لیسانس یا بالاتر از آن، برنامه های معینه را مطابق به احکام این مقررہ و لوايح تحصیلی تعقیب می نماید"¹¹ و باتوجه به قانون معارف افغانستان که دوره های تعلیمی را به سه بخش (دوره متوسطه از صنف اول الی نهم، دوره ثانویه شامل صنوف دهم، یازدهم و دوازدهم، تعلیمات تکنیکی و تعلیمات تربیه معلم را شامل صنوف دهم الی چهاردهم دانسته است¹² می توان چنین نتیجه گرفت که تحصیلات عالی در افغانستان همانا تکمیل صنف شانزدهم (لیسانس) مورد پذیرش قرار گرفته است.

- قانون تحصیلات عالی ملکی، پیشین، ماده 3، فقره 1. 10

- مقررہ آموزش دوره لیسان، ماده 3، فقره 1، جریده رسمی (1382). 11

- قانون معارف، ماده های 17، 19، 22 و 25، جریده رسمی، نمبر مسلسل (955). 12

۲-۲. پیشنهاد تاریخی تضمین کیفیت

تضمین کیفیت و اعتبار دهی آکادمیک مثل سایر پدیده های اجتماعی محصول سالها تحقیق و تجربه جامعه بشری بوده از این رو ضروری است که به صورت مختصر پیشنهاد تاریخی تضمین و ارتقای کیفیت در جهان و افغانستان ذیلاً بررسی گردد.

۲-۲-۱. پیشنهاد تاریخی تضمین کیفیت در جهان

می شود گفت که موضوع تضمین کیفیت از سال های 1895 م (1274 هجری شمسی) در ایالات متحده امریکا کوشش برای اعتبار سنجی دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی آغاز شد. سپس از نیمه اول قرن بیستم انجمن های منطقه ای ملی و یا تخصصی برای سنجش کیفیت و قضاوت در مورد صلاحیت مراکز آموزشی عالی بر ارزیابی و اعتبار سنجی، دوره ها یا دانشکده های تخصصی پرداخته اند. کشورهای اروپایی در بیشتر از سه دهه گذشته (از سال 1985 م) ارزیابی دانشگاهی را امر اجتناب ناپذیر یافتن از این سال به بعد برخی از کشورها تا سال 1990 م برخی دیگر در دهه بعد و نیز گروهی در سالهای اخیر سازوکار ارزیابی را برای بهبود کیفیت آموزش عالی ایجاد کرده اند از آن جمله می توان به (کمیته ملی ارزیابی) در کشور فرانسه (1985 میلادی) و (نهاد تضمین کیفیت برای آموزش عالی) (Quality Assurance Agency for Higher Education) در انگلیستان، که در سال 1997 میلادی تأسیس شده، اشاره کرد. کشورهای اروپایی با توجه به شرایط فرهنگی و ویژگی های آموزش عالی خود بیشتر از شیوه ممیزه کیفیت در آموزش عالی (Woodhouse, 2003) و ممیزی کیفیت در پژوهشی (Meade, 2003) استفاده می کنند.

از جمله تجربه های قابل توجه در کشورهای اروپایی فرایند بولونیا است که در آن حدوداً 29 کشور اروپایی در شهر بولونیای ایتالیا گره آمدند و هدف آن ایجاد اصلاحات و هماهنگی در آموزش عالی اروپا با ایجاد حوزه آموزش عالی اروپایی و بر مبنای استقلال و خودمختاری آکادمیک بود. از اهداف مهم آنچه بعدها بنام فرایند بولونیا معروف شد، ایجاد نظام شفاف و هماهنگ بوده است که در آن، آموزش عالی کشورهای مختلف اروپایی از یک ساختار سه سطحی یا سه چرخه ای یک نواخت؛ کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری برخوردار دارند، حاصل فرایند بولونیا برقراری اصلاحات آموزشی در کلیه کشورهای اروپایی بوده است، فرایند بولونیا با 29 عضو آغاز به کار کرد ولی دیگر کشورهای اروپایی به تدریج به آن ملحق شدند تعداد اعضای این فرایند در سال 2010 م به 42 کشور رسید. هدف فرایند بولونیا کشف اطمینان از این امر است که آموزش عالی و پژوهش در اروپا بتوانند به طور کامل پاسخ گوی تغییرات اجتماعی و پیشرفت های علمی دنیای امروز

باشند. امضاء کننده گان پیمان برای همگرایی بیشتر و رقابتی کردن آموزش عالی در اروپا تغییرات آتی را ضروری تشخیص دادند: نمرات، مدارک، انتقال واحدها، تحرک، کیفیت بعد اروپایی آموزش.¹³

۲-۲-۲. پیشینه تاریخی تضمین کیفیت در افغانستان

از آنجاییکه در افغانستان هیچ وقت ثبات سیاسی وجود نداشته، بع تبع آن نظام تحصیلات عالی این کشور نیز به شدت آسیب دیده و کیفیت لازم که بتواند پاسخگوی نیازها و ضرورت های اساسی جامعه باشد را تأمین نکرده، با وجود آن موضوع تضمین کیفیت به عنوان یک نیاز مبرم در مدیریت تحصیلات عالی کشور کاملاً فراموش نشده بلکه یک سلسله اقدامات ابتدایی که به هیچ عنوان نمیتوان مفیدیت آنرا انکار کرد، در زمینه انجام شده است، قانون اساسی سال 1382 هجری شمسی بر پروگرام های مؤثر در بهبود آموزش و تحصیلات عالی تأکید نموده و برای اولین بار در سال 1391 هجری شمسی ریاست ارتقای کیفیت و اعتبار دهی در چوکات وزارت تحصیلات عالی ایجاد گردید و برای مشخص شدن جایگاه حقوقی نهاد متذکره فصل پنجم قانون تحصیلات عالی ملکی که شامل چهار (4) ماده می باشد به این امر اختصاص پیدا کرد، در نهایت برای اجرایی شدن پروسه تضمین و ارتقای کیفیت ارتقای کیفیت در قوس 1396 نیز روی دست گرفته شد.

۳. ابعاد حقوقی پروسه تضمین و ارتقای کیفیت

برای هرفعالیت هدف مند و سازمان یافته علمی و فرهنگی قبل از هر چیزی به چارچوب حقوقی مشخص و واضح ضرورت است، تضمین کیفیت تحصیلات عالی بدون شک از اهمیت فوق العاده برخوردار بوده و تأمین آن، نیز به یک میکانیزم مشخص و معین حقوقی (اسناد تقنینی) ضرورت دارد که موجودیت اسناد متذکره می تواند مزایایی زیادی در قبال داشته باشد مانند: اجباری بودن و اختیاری بودن شمولیت پوهنتون ها در این فرایند طوریکه در بعضی از کشورها مانند؛ انگلیستان، سوئد، نروژ، سویس، استرالیا، نیوزلند، هنگ کنگ، عمان و افریقایی جنوبی بررسی تضمین کیفیت اجباری بوده اما در کشورهای دیگری مانند؛ فنلاند، اتریش، آلمان، دانمارک، اسپانیا و روسیه اختیاری می باشند¹⁴، نحوه تعریف و تدوین معیارها، مشخص کردن میکانیزم نیازسنجی برای تشخیص معیارهای ضروری و مفید، دوره (مدت) نیازسنجی که هرچند سال یک بار باید نیازسنجی و معیارهای مبتنی برآن تجدید گردد، مدت اعتبار چک لیستها، نحوه پاسخگو سازی نهادهای دخیل در پروسه تضمین کیفیت، نحوه رسیدگی به شکایات ناشی از پروسه تضمین کیفیت، مشخص شدن جایگاه اعتبارسنجی نهادهای بین المللی در پروسه اعتبار دهی ملی، چگونگی دخیل سازی نهادهای سومی

13- رویا پرند و عباسعلی قیومی، تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی، پنجمین کنفرانس بین المللی، پشین، ص 5 و

14 - رضا محمدی و همکاران، بررسی تطبیقی نظام های ممیزی کیفیت آموزش عالی در جهان (مفاهیم، معیارها،

غیر دولتی) برای بررسی از وضعیت تضمین و ارتقای کیفیت در مؤسسات تحصیلات عالی، نهادهای تطبیق کننده ای پروسه تضمین کیفیت باتوجه به واقعیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می تواند در چارچوب مقررات حقوقی مشخص اقدامات به موقع انجام داده و نظارت متدوام و مستمر اعمال خواهد شد، مؤسسات تحصیلات عالی باتوجه به مجازات و مکافات که در قبال نتیجه بررسی تضمین کیفیت در نظر گرفته می شود احساس مکلفیت بیشتر می نمایند، بنابر ملحوظات فوق قبل از همه ضرورت است که چارچوب حقوقی این پروسه به درستی بررسی گردد؛ که ذیلاً برآن پرداخته می شود:

۳-۱. جایگاه حقوقی تضمین و ارتقای کیفیت

۳-۱-۱. جایگاه تضمین و ارتقای کیفیت در قانون اساسی 1382 افغانستان

با توجه به حکم این قانون اساسی که تصریح می کند (دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرامهای مؤثر طرح می نماید)¹⁵ به مثابه ی یک حکم کلی که جزء ویژگی های احکام قانون اساسی است می تواند شامل فرایند تضمین کیفیت به مثابه یک پروگرام مؤثر نیز گردد، از این جهت می توان استنباط نمود که قانون اساسی برای معیاری سازی و پاسخگونموندن تحصیلات عالی کشور به نیازهای جامعه، دولت را ملکف می سازد و تضمین کیفیت می تواند یکی از این پروگرام ها باشد.

۳-۱-۲. جایگاه تضمین و ارتقای کیفیت در قانون تحصیلات عالی ملکی

قانون تحصیلات عالی ملکی مورخ 1394/8/9 فصل چهارم اش که دارای چهار(4) ماده می باشد به اداره و مورد ارتقای کیفیت و اعتباردهی آکادمیک نهادهای تحصیلات عالی اختصاص یافته و تصریح می کند: به منظور ارتقای کیفیت و اعتباردهی آکادمیک اداره و مورد ارتقای کیفیت و اعتباردهی آکادمیک در چارچوب وزارت تحصیلات عالی ایجاد و این برد متشکل از نه (9) عضو که از میان استادان مؤسسات تحصیلات عالی برای مدت سه سال تعیین می گردد با امکان تمدید مجدد به پیشنهاد معینیت علمی و منظوری وزارت تحصیلات عالی انتخاب و شرایط عضویت؛ ده سال تجربه کاری، اخلاق حمیده، شهرت نیک و رتبه علمی پوهاند و پوهنوال را نیز تعریف می کند.¹⁶ وظایف که برای مورد متذکره در نظر گرفته شده عبارت اند از: 1 - ارزیابی علمی مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی با رعایت معیارهای تعریف شده؛ 2 - اتخاذ تصمیم در مورد ادامه فعالیت و یا توقف آن به شورای عالی؛ 3 - تصویب لایحه وظایف مربوطه. و همچنان خاطر نشان می سازد که طرز فعالیت این مورد به وسیله اسناد تقنینی جداگانه تنظیم می گردد¹⁷ ملاحظاتی که می توان در این قسمت مطرح کرد این است؛ اولاً عضویت در این مورد در کنار سایر شرایط منوط به داشتن رتبه علمی

- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان 1382، ماده 47 جریده رسمی، فقره 1، نمبر مسلسل (818). 15

- قانون تحصیلات عالی ملکی، پشین، ماده های 52، 53، و 54. 16

- قانون تحصیلات عالی ملکی، پشین، ماده 55. 17

پوهاند و پوهنوال که این خود به دلیل اعطاء نکردن چنین رتب به استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی؛ بود را غیر متوازن و به یک نهاد دولتی محور تبدیل کرده است، در حالیکه واقعیت های پوهنتون-های دولتی و خصوصی متفاوت است تصمیم گیری ها بیشتر بارویکرد پوهنتون های دولتی صورت خواهد گرفت که در قبال پوهنتون های خصوصی از کارکرد لازم برخوردار نخواهد بود، ثانیاً اعضای این بود به پیشنهاد معینیت علمی و منظوری وزارت تحصیلات عالی صورت می گیرد که این خود، زمینه بررسی کار کرد وزارت تحصیلات عالی از سوی چنین نهادی را به چالش کشیده و یا حتی منتفی می سازد، ثالثاً در وظایف که برای بود در نظر گرفته می شود توجه به ترتیب و پیشنهاد تصویب اسناد تقنینی به مراجع مربوطه که مبتنی بریک نیاز سنجی عینی و واقعی باشد در نظر گرفته نمی شود. تنها وظیفه مطالعه و تعدیل اسناد تقنینی مرتبط به تضمین کیفیت در رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه های ارتقای کیفیت برای این بود تعریف گردیده¹⁸ که خود به لحاظ اینکه رهنمود جزء اسناد تقنینی نیست نمی تواند خلق کننده صلاحیت تقنینی واقع گردد.

۳-۱-۳. جایگاه حقوقی رهنمود ارتقای کیفیت

از آنجاییکه در قانون تحصیلات عالی تصریح می گردد که طرزفعالیت بود ارتقای کیفیت و اعتبار دهی آکادمیک مؤسسات تحصیلات عالی به وسیله اسناد تقنینی جداگانه تنظیم می گردد¹⁹، متأسفانه تا اکنون وزارت تحصیلات عالی افغانستان، اسناد تقنینی مشخص در این زمینه نداشته و تنها چیزی که دارد همان یک رهنمود ارتقایی کیفیت و بعضی لوایح و طرزالعمل ها است و چنین اسنادی مطابق قانون طی مراحل اسناد تقنینی مورخ 1397/6/7 جزء اسناد تقنینی کشور محسوب نمی شود²⁰.

۳-۲. تقسیمات ساختاری ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی

این ریاست نه براساس معیارهای رشتوی بلکه مطابق به معیار دولتی و خصوصی بودن مؤسسات تحصیلات عالی تقسیم بندی شده است و نهادهای چون؛ (آمریت ارتقای کیفیت نهادهای تحصیلات عالی دولتی، آمریت ارتقای کیفیت نهادهای تحصیلات عالی خصوصی) در چارچوب ریاست متذکره تعریف گردیده که نظر به دلایل چون؛ یکسان بودن معیارهای (کارت امتیاز دهی) و متفاوت بودن واقعیت ها (مسایل مالی، نحوه جذب محصل، چگونگی حمایت دولت از بخش خصوصی و دولتی، موجودیت حس رقابت شدید جهت تثبیت جایگاه بهتر علمی پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در بازار و برعکس آن در مؤسسات تحصیلات عالی دولتی) منطقی به نظر نمی رسد، زمانی این تقسیم بندی می توانیست معنی دار باشد که

- رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه ارتقای کیفیت، قوس 1396، ص 718

18 - قانون تحصیلات عالی ملکی، پشین، ماده 55.

20- اسناد تقنینی شامل: قانون، فرمان تقنینی، مقرر، اساسنامه و تعدیل، ایزاد، حذف، الغاء، تعلق و ضمیمه در آنها و مصوبه حکومت است که دارای صبغه قانونی باشد (فقره 1 ماده 3 قانون طی مراحل اسناد تقنینی). 1397 هجری شمسی، جریده رسمی، نمبر مسلسل 1246.

معیارهای متفاوت نظر به واقعیت موجود در این دو بخش شکل می گرفت. آمریت ارزیابی امور آکادمیک نهادهای تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در چارچوب این ریاست بهتر بود که تحت عنوان آمریت ارزیابی امور آکادمیک نهاد های تحصیلات عالی ایجاد می گردید که تا از برجسته سازی فاصله بین پوهنتون های دولتی و خصوصی و همچنان رقابت های ناسالم جلوگیری صورت می گرفت.

۳-۳. متناقض و مبهم بودن وظایف و مرجع گزارش دهی ریاست ارتقای کیفیت و مورد اعتبار دهی

مواردی آتی در قبال (ریاست ارتقای کیفیت و اعتبار دهی) و (اداره مورد ارتقای کیفیت و اعتبار دهی آکادمیک مؤسسات تحصیلات عالی) مبهم و پرسش بر انگیز می باشند: اول- معلوم نبودن جایگاه سلسله مراتبی نهادهای فوق که کدام یک بالادست و کدام یک پایین دست خواهد بود و یا اینکه در موازات همدیگر در راستای بهبود نظام تضمین کیفیت فعالیت می نمایند؛ دوم- گنگ بودن مرجع گزارش دهی رئیس ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی، فقط لایحه وظایف ایشان؛ وی را مکلف ساخته که ترتیب گزارش های ماهوار، ربعوار، سالانه و ارائه آن حین ضرورت برای مقامات ذیصلاح به منظور مطلع ساختن از پیشرفت فعالیت ها و دست آوردهای بخش های مربوطه؛ اما مرجع معلوم نیست، از سوی دیگر مورد اعتبار دهی با وجود داشتن صلاحیت اجرایی اصلاً طبق لایحه وظایف شان مکلف به گزارش دهی نگردیده که با اصل شفافیت به عنوان یک اصل مهم در موضوع تضمین کیفیت و اعتبار دهی مطابقت ندارد.

سوم- نظارت و حصول اطمینان از تطبیق پالیسی ها، مقرره ها، لوایح، طرز العمل ها، رهنمودها، خط مشی ها و میکانیزم های مرتبط به تضمین کیفیت جزء مسئولیت هردو نهاد تلقی گردیده، این درحالیست که مورد، در کنار آن؛ مسئولیت مطالعه، تعدیل و تصویب این اسناد را طبق لایحه وظایف نیز عهده دار می باشد که این امر بیان گر تداخل وظیفوی بین این دو نهاد می باشد؛ چهارم - اداره و هماهنگ نمودن تمام فعالیت های مربوط به امور ارتقای کیفیت به منظور رسیدن به اهداف تعیین شده جزء مسئولیت های ریاست تضمین کیفیت و اعتبار دهی تعریف گردیده این در حالیست که موارد چون؛ نظارت از ایجاد مراکز اعتلای کیفیت، کمیته های ارتقای کیفیت و کمیته های فرعی پوهنچی ها، تهیه، تشریح و آگاهی دهی بسته های برنامه های ارتقای کیفیت به نهادهای تحصیلی، تهیه پلان ها برای تقویت ظرفیت مراکز اعتلای کیفیت، کمیته های ارتقای کیفیت و کمیته های فرعی؛ ارتقای کیفیت پوهنچی ها. جزء مسئولیت های مورد ارتقای کیفیت و اعتبار دهی نیز تعریف گردیده،²¹ موارد که به صورت خلاصه در فوق ذکر گردید از جای ناشی می شود که این دو نهاد به صورت واضح مسئولیت های شان تفکیک نشده، بهتر میشد که این دو نهاد؛ یکی در راستای ارتقای کیفیت و دیگری در امر اعتباردهی مطابق به معیارهای از قبل تعریف شده فعالیت می کردند.

۳-۴. نبود میکانیزم شکایات

اطراف دخیل در پروسه تضمین کیفیت عبارت اند از؛ ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی، اداره و بورد ارتقای کیفیت و اعتباردهی، وزارت تحصیلات عالی، مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی و دولتی. جریان بررسی تضمین و ارتقای کیفیت ممکن نا رضایتی های را نیز در قبال داشته باشد به خصوص از طرف نهادهای بررسی شونده، جهت شفافیت و تأمین اطمینان خاطر باید مرجع جهت بررسی شکایات آنها وجود داشته باشد، تا از برخورد های سلیقوی در این امر مهم جلوگیری صورت گیرد و همه ای مؤسسات تحصیلات عالی از اینکه امکان نادیده گرفتن فعالیت های شان موجود نیست مطمئن شده و برای دست آوردهای بهتر تلاش نمایند.

۳-۵. عدم استقلالیت ساختاری ریاست تضمین و ارتقای کیفیت

ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی بخش از ساختار وزارت تحصیلات عالی بوده که در بیشترین موارد ممکن مجبور شود تا مطابق میل مقامات وزارت متذکره عمل نماید، برای جلوگیری از چنین نواقص می توانست از الگوهای خوب کشورهای دیگر مانند؛ هندوستان که (شورای ملی ارزیابی و اعتبار سنجی دارد) و یا آرژانتین (کمسیون ملی ارزیابی و اعتبارسنجی) و بعضی کشورهای دیگری مانند ایرلند که مدل کنفرانس رؤسای پوهنتون ها را برای بررسی چارچوب کلی تضمین کیفیت پوهنتون ها دارد²² استفاده نماید، قلم هذا معتقد است که در افغانستان با توجه به ضرورت مبرم تضمین و ارتقای کیفیت و همچنان اعتبار دهی، یک نهاد مستقل ملی ایجاد گردد و بین تضمین کیفیت و ارتقای کیفیت نیز به صورت واضح تفکیک به عمل آید.

۴. ابعاد کاربردی پروسه تضمین و ارتقای کیفیت

رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه ارتقای کیفیت با چالش های کاربردی نیز مواجه بوده که از یک طرف تطبیق آنرا دشوار ساخته و از سوی دیگر، اهداف مطلوب را تأمین کرده نمی تواند و این مشکلات بیشتر در عملکرد متناقض وزارت تحصیلات عالی نسبت به مقررات تضمین و ارتقای کیفیت و همچنان چک لیست ها و پرسش نامه های که جهت ارزیابی و مستند سازی فعالیت های مرتبط به ارتقای کیفیت در نهاد های تحصیلات عالی تعریف گردیده است قابل ملاحظه می باشد.

چنین چک لیست ها به جای توجه به محتوا، روی شکلیات موضوع تمرکز بیشتر نموده که با این رویکرد زمینه فرار و مستند سازی غیر واقعی را برای نهادها تحصیلات عالی فراهم می سازد که این موارد را به صورت بسیار خلاصه ذیلاً توضیح خواهیم داد:

22- رویا پرند و عباسعلی قیومی، تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی، پنجمین کنفرانس بین المللی رویکردهای

پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت، ص 7، دسمبر 2017، <http://www.ichm.ir>

۴-۱. عملکرد متناقض وزارت تحصیلات عالی

طبق ضمیمه شماره (7) رهنمود تهیه و گزارش تطبیق طرزالعمل ارزیابی از کیفیت تدریس موجودیت کمیته کریکولم در ساختار هر پوهنخی، به روز سازی و تجدید نظر در آن همرا با مشارکت ارگان های زیربط و فارغان با منابع و مأخذ های جدید یکی از مزیت ها و معیار درست و نادرست بودن اقدامات آن پوهنخی نسبت به رهنمود متذکره می باشد.²³ و همچنان طبق مقررره آموزش دوران لیسانس، تدوین نصاب تحصیلی از صلاحیت دیپارتمنت های واجد شرایط مندرج قانون تحصیلات عالی ملکی می باشد که بعد از طی مراحل آکادمیک مرعی الاجرا می باشد²⁴، این امر نشان دهندهی این است که پوهنخی ها در به روز سازی و تجدید کریکولم خودشان دست باز داشته تا زمینه خلاقیت و رقابت سالم جهت توسعه و پیشرفت علمی در کشور فراهم گردد.

از سوی دیگر وزارت تحصیلات عالی در سال 1396 تحت عنوان بازنگری و معیاری سازی نصاب های تحصیلی کشور اجرائی را در جهت ترتیب نصاب ملی اتخاذ نمود و کلیسترهای مشخصی برای تدوین نصاب واحد تشکیل گردید. در جریان ترتیب نصاب ملی نمایندگان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی دعوت شده بودند که پوهنتون کاردان هم ایمیلی را که ضم آن فورم نظر خواهی توحید نصاب ارسال شده بود دریافت نمود تا اینکه در نهایت نصاب رشته حقوق و علوم سیاسی نهائی گردید. در حالیکه این عملکرد وزارت تحصیلات عالی دو انتباه اساسی در ذهن تطبیق کننده گان چک لیست ها ایجاد می کند:

۴-۱-۱. تجدید کریکولم از سوی پوهنخی واجد شرایط کار درست و معیاری است

پس اگر چنین باشد نباید وزارت تحصیلات عالی خود اقدام به توحید سازی کریکولم نماید بدلیل اینکه این اقدام در مغایرت کامل با سایر اسناد تقنینی این وزارت و طرزالعمل ارزیابی از کیفیت تدریس است، بنابراین پوهنخی مربوطه نیز نسبت به این امر به دیده شک و تردید می نگرند.

۴-۱-۲. تجدید کریکولم از سوی پوهنخی واجد شرایط کار درست و معیاری نیست

پس اگر چنین باشد نباید وزارت تحصیلات عالی از طریق نهاد های ذیر مجموعهی خودش که در راستای تضمین و ارتقای کیفیت کار می کنند چک لیست های را معیار ارزیابی اقدامات پوهنخی ها تعریف و تدوین نمایند که از نظر خودشان درست و منطقی نیست، این تناقضات رفتاری در بسا جاهای دیگری نیز قابل مشاهده بوده که از لحاظ کاربردی پروسه تضمین کیفیت را به چالش جدی مواجه می سازد.

- رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه های ارتقای کیفیت، قوس 1396 ضمیمه شماره (7) ارزیابی از کیفیت تدریس،

۲-۴. چالش های کاربردی چک لیست ها

در چک لیست ارزیابی اختصاصی شماره (359) پوهنخی های علوم طبیعی و علوم اجتماعی مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی مواردی قابل مشاهده است که می تواند تطبیق این چک لیست را به مشکل مواجه ساخته و شفافیت پروسه ی ارزیابی رانیز زیر سوال ببرد که به صورت نمونه برداری می توان چنین بررسی کرد:

۱-۲-۴. موجودیت موضوعات مبهم و تفسیر بردار

موارد در این چک لیست دیده می شود که می توان تفسیرهای متعدد و سوء برداشت نهادهای تطبیق کننده را در قبال داشته باشد، به صورت نمونه چند مورد آن ذیلاً بررسی می گردد، یک - داشتن جواز قانونی از طرف وزارت تحصیلات عالی برای پوهنخی امتیاز داشته و مستحق یک نمره شناخته می شود، در حالیکه داشتن جواز امر الزامی بوده که هیچ امتیاز نباید برایش تعریف گردد بلکه نداشتن آن باید تابع مؤیدات حقوقی گردد؛ دو - در ارتباط تائید پلان ستراتیژیک پوهنخی در حالیکه می توانست مرجع تصویب پلان ستراتیژیک پوهنخی که نخست شورای علمی پوهنخی و بعداً شورای علمی پوهنتون است، به صورت واضح ذکر می کرد، نه مرجع با صلاحیت؛ سه - تشخیص مقدور بودن رئیس به پیش برد امور موکول به نظر هیئت بررسی کننده گردیده که این موضوع نخست موضوع داخلی پوهنتون است ثانیاً یک هیئت ارزیابی کننده در طی چند روز محدود چطور قادر به تشخیص این امر خواهد بود؛ چهار - از پالیسی های پوهنخی که باعث بهبود وضعیت نهاد می گردد یاد آوری گردیده معمولاً پالیسی ها در سطح پوهنتون تصویب می گردد و قرار نیست که هر پوهنخی دارای پالیسی جداگانه باشند مخصوصاً پالیسی هایی که در این چک لیست به آن اشاره شده است، عین موضوع در مورد پالیسی استخدام کارمندان اداری و مصئونیت آنها به صورت پالیسی جداگانه تنظیم نمی گردد بلکه استخدام کارمندان اداری و چگونگی مصئونیت آنها مطابق به پالیسی منابع بشری صورت می گیرد؛ پنج - تناسب میان محصلان جدید شمول و فارغان مطرح می گردد و در نهایت هم یک نمره منحصی امتیاز برایش تعریف می کند اما برای تناسب معیار تعیین نشده؛ شش - آیامسئول کتاب خانه شخص مجرب است اگر باشد 0.25 نمره (امتیاز) دارد معیار مجرب بودن و چگونگی تشخیص آن معلوم نیست.²⁵

۲-۲-۴. کلی گویی چک لیست ها

کلی گویی ویژگی است که با ماهیت چک لیست ها، که قرار است جزئی ترین امورات یک اداره را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد سازگاری ندارد و می تواند زمینه اختلاف، سوء تفاهم و حتی فرار از زیر بار مسئولیت را در قبال داشته باشد، با آنهم مواردی در چک لیست ارزیابی اختصاصی (359) پوهنخی های علوم طبیعی و

25 - چک لیست ارزیابی اختصاصی (359) پوهنخی های علوم طبیعی و علوم اجتماعی مؤسسات تحصیلات عالی

خصوصی، شماره شاخصه های

ارزیابی؛ 1، 5، 18، 26، 28، 29، 49 و 80

علوم اجتماعی مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی قابل مشاهده است که به صورت فشرده مورد بررسی قرار می‌دهم؛ یک - سخن گفتن از موجودیت کمپیوتر لب به تعداد کافی آنهم وصل شده به انترنت بدون آمار تناسبی آن با محصلان، که می‌شود پوهنتون‌ها با یک اطاق ساده و چند تا کمپیوتر بی کیفیت برنده امتیاز آن گردد؛ دو - موجودیت کلینیک حقوقی، محکمه تمثیلی، لابرتوار جنایی در چک لیست که همزمان در قبال فعالیت پوهنخی‌های علوم اجتماعی و علوم طبیعی قابل تطبیق است منطبق نداشته و نشان دهنده نهایت کلی گویی می‌تواند محسوب گردد و موارد مشابه دیگر که نسبت به پوهنخی حقوق قابل تطبیق نیست؛ سه - بحث از بودجه و امور مالی، چگونگی نظارت از مصرف آن توسط وزارت مالیه، مستوفیت ویا مرجع معتبر دیگر، به استثنای مسئله مالیات خلاف استقلالیت مالی پوهنتون‌های خصوصی بوده و نماد از کلی گویی است، با توجه به آنچه مورد بررسی قرار گرفت نشان دهنده استوار نبودن این چک لیست‌ها براساس یک مطالعه دقیق و همه جانبه با تفکیک رشته‌های مختلف پوهنتون‌ها، واقعیت‌ها و الزاماتی که در آنها باید مورد توجه قرار گیرد می‌باشد.²⁶

۴-۳. چالش‌های اجتماعی

تضمین و ارتقای کیفیت به باور اکثریت دلیل رشد و بالندگی تحصیلات عالی در کشورها و سبب دخیل شدن گروه‌های مختلف اجتماعی در روند بالابردن کیفیت تحصیلات عالی می‌گردد، دست اندر کاران این امر در کنار اعمال نمودن مشخصات و معیارهای مشترک جهانی که مورد رعایت کشورهای باتجربه و همچنان کشورهای در حال تجربه در زمینه تضمین و ارتقای کیفیت است، ناگزیر تفاوت‌های زمینه‌ی و فرهنگی که در مواردی باعث تنوع معیارهای تضمین کیفیت و همچنان چگونگی اعمال آن خواهد شد را نیز مورد توجه قرار دهند، چنانچه در جدول شماره (1و2)، این تفاوت‌ها که بدون شک ناشی از تفاوت‌های زمینه‌ی بوده، به وضوح قابل مشاهده است که می‌توان از تغییر ترکیب جمعیت محصلان، بازار کار، مهارت بیشتر، تحقیق با کیفیت بالا، مشارکت بیشتر در آموزش برای ایجاد اقتصاد نو آور، بین المللی شدن، حکمرانی خوب، رهبری علمی و تأمین مالی به عنوان عمده ترین مسایل، با بسترهای اجتماعی و فرهنگی در مورد تضمین و ارتقای کیفیت نام برد، پرسش‌های را مطرح نمود که چگونه می‌توان اقتصاد پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی و کار کردهای پوهنتون‌ها را به نحوی تغییر داد که قادر باشند هزینه‌ها را با تأمین انتظارات در حال افزایش مخاطبان مهارکنند؟ آیا در باره چگونگی اثر گذاری تغییر جمعیت شناختی روی ترکیب محصلان، فهم و شناخت کافی وجود دارد؟ آیا اقدامات لازم برای استقبال از تنوع محصلان طراحی و انجام شده است؟ آیا در مورد رقابت‌ها و بازارهای رقیب پوهنتون‌ها و کار کردهای آنان، شناخت کافی وجود دارد؟ آیا در زمان

26 - چک لیست ارزیابی اختصاصی (359) پوهنخی‌های علوم طبیعی و علوم اجتماعی مؤسسات تحصیلات عالی

خصوصی، شماره شاخصه‌های

ارزیابی؛ 10، 11 و 96.

محدودیت منابع مالی، به قدر کافی در باره نحوه حمایت کارکردهای پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی از ماموریت گسترده و راهبردهای این نهادها، تدبیر شده است؟ آیا برای جذب و حفظ نیروی انسانی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی (اعضای هیئت علمی) آمادگی کافی وجود دارد؟ آیا برای توسعه یافتن نسل بعدی رهبران پوهنتون‌ها و کار کردهای مؤسسه‌ی، اقدامی صورت گرفته؟ برای پرداختن به چنین پرسش‌های از یک طرف و سازگار نمودن مؤسسات تحصیلات عالی با شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور، منطقه، جهان و همچنان کاربردی ساختن برنامه‌های تضمین و ارتقای کیفیت از سوی دیگر، نیاز است روی موارد چون؛ نیازسنجی، ترویج فرهنگ ارتقای کیفیت، به عنوان عوامل موثر جهت تشخیص ضرورت‌های بازار کار به تخصص و مهارت‌های متفاوت، چگونگی ترکیب محصلان به خصوص در سطوح مختلف تعلیمات عمومی، درک مردم و تمایل نظام به حکومت داری خوب، توجه مردم به اقتصاد مدرن و علاقه محصلین، خانواده‌ی فرهنگی و علمی به تحقیقات و خلق آثار علمی معتبر، چگونگی حمایت دولت و مؤسسات تحصیلات عالی از این امر و همچنان ترویج فرهنگ و متقاعد سازی نهادهای عرضه کننده خدمات تحصیلی به پروسه تضمین و ارتقای کیفیت تمرکز بیشتر صورت گیرد.

نیازسنجی: به معنی مراجعه به افراد و گروه‌های ذیدخل در پروسه تضمین و ارتقای کیفیت می باشد تا از این طریق نیروهای موجود در درون جامعه با قدرت تمام با روند‌های چون؛ توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، بازاری شدن آموزش عالی و علم، جهانی شدن، بین‌المللی شدن و منطقه‌ای شدن، پیشرفت جامعه شبکه‌ای، پیشرفت جامعه دانش، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تغییرات جمعیت شناختی، به میان آمدن دانشجویان غیر سنتی و رسانه‌ها برای ایجاد تحول در آموزش عالی بر دانشگاه‌ها اعمال فشار می نمایند، دانشگاه باید خود را با تغییرات متوقعه منطبق و سازگار نمایند الی با نا بودی و اضمحلال فزینگی و یا ماهیتی مواجه خواهد شد.²⁷ بهتر خواهد بود که برای تدوین مقررات مربوط به تضمین کیفیت و چک لیست‌های مرتبط به آن براساس نتایج یک نیازسنجی جامع و علمی که انعکاس دهنده واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه باشد اقدام صورت گیرد، تا از طریق متقاعد ساختن مؤسسات تحصیلات عالی برای رعایت و التزام بر آن نیازهای اساسی جامعه از طریق ارائه تحصیلات عالی متناسب به نیازها، زمینه پیشرفت و توسعه‌ی جامعه فراهم گردد، اگر چنین اقدام صورت نگیرد و برعکس متمرکز بر؛ کاپی برداری معیارهای سایر کشورها باشیم و با دیدن هر معیار از هرکشوری در مقررات و چک لیست‌های خود تغییر اعمال نمایم، هیچ فرصت برای مؤسسات تحصیلات عالی جهت تطبیق آن فراهم نخواهد شد، چنین برنامه‌ی نه تنها که نتیجه مطلوب ندارد بلکه باعث بی ثباتی پروسه نیز میگردد.

27 - رضا مهدی، آینده شناسی آموزش عالی: راهبردها و پیامدهای سازگاری دانشگاه با محیط و جامعه، فرایند

۴-۴. ترویج فرهنگ ارتقای کیفیت

با توجه به اینکه تحصیلات عالی و معیارهای کیفی آن، با توسعه و پیشرفت صنعت و تکنالوژی در جوامع بشری در حال تغییر بوده و هر روز تقاضاهای جدیدی مطرح می‌گردد، ضرورت است تا فرهنگ تضمین و ارتقای کیفیت در نهادهای عرضه‌کننده خدمات تحصیلات عالی، پژوهشی، تحقیقی و همچنان سازمانهای دخیل در این پروسه مورد پذیرش و استقبال قرار گیرد، این زمانی ممکن خواهد بود که نهاد های متذکره قبل از هرچیز با پروسه تضمین کیفیت و اعتباردهی، معیارهای تعریف شده در این زمینه آشنا بوده و رعایت آنرا زمینه ساز پیشرفت و ترقی جایگاه ارزشی و علمی خودشان تلقی نمایند، همچنان محصلان به عنوان محوری ترین عنصر در فرایند تضمین و ارتقای کیفیت از آگاهی لازم نسبت به آن برخوردار باشند.

۵. نتیجه گیری

تضمین کیفیت یکی از موضوعات اساسی جهت اعتلا و پاسخگو ساختن نظام تحصیلات عالی کشورها به نیازهای اساسی و اولیه شان مطابق به اقتضائات زمان بوده و به خصوص در افغانستان منحصیث یک تجربه کاملاً جدید که بعد از قانون اساسی سال 1382 هجری شمسی که به طرح پروگرام های موثر در بهبود آموزش و تحصیلات عالی تأکید نموده مورد توجه قرار می‌گیرد و در ادامه آن برای اولین بار در سال 1391 هجری شمسی ریاست ارتقای کیفیت و اعتبار دهی در چوکات وزارت تحصیلات عالی ایجاد می‌شود، برای مشخص شدن جایگاه حقوقی این نهاد فصل پنجم قانون تحصیلات عالی ملکی به این امر اختصاص می‌یابد و در نهایت برای اجرایی شدن این پروسه رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه‌های ارتقای کیفیت در قوس 1396 شکل می‌گیرد بدون شک این تحولات با توقعات مطلوب سازی نظام تحصیلات عالی کشور همرا بوده.

اما به دلیل نو بودن، پروسه تضمین و ارتقای کیفیت با یک سلسله چالش های حقوقی و کار بردی مواجه بوده که عمده ترین چالش های حقوقی عبارت اند از: عدم موجودیت یک مقررره التزام بخش جهت تنظیم امور مربوط به تضمین و ارتقای کیفیت، محسوب نشدن رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه های ارتقای کیفیت به عنوان یک سند تقنینی مطابق قانون طی مراحل اسناد تقنینی، پرسش برانگیز بودن تقسیمات ساختاری ریاست ارتقای کیفیت و اعتبار دهی که براساس معیارهای رشتوی نه بلکه مطابق به معیار دولتی بودن و خصوصی بودن انجام پذیرفته و نهادهای چون (آمریت ارتقای کیفیت نهادهای تحصیلات عالی دولتی، آمریت ارتقای کیفیت نهادهای تحصیلات عالی خصوصی) که به دلایل چون یکسان بودن معیارها و متفاوت بودن واقعیت ها، نادرست به نظر می‌رسد. متناقض بودن و مبهم بودن وظایف و مرجع گزارش دهی ریاست ارتقای کیفیت، مورد ارتقای کیفیت و اعتبار دهی، معلوم نبودن جایگاه هریک در سلسله مراتب اداری و همچنان یک جانبه بودن امتیازات عضویت در مورد اعتبار دهی به نفع پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی به لایل شرایط؛ پوهاند و پوهنوال بودن اعضا که استادان پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی از این

امتیاز قانونی هیچگاه مستفید نشده اند، نبود میکانیزم مشخص رسیدگی به شکایات ناشی از پروسه تضمین و ارتقای کیفیت، فقدان اداره نظارت کننده از این پروسه، مشخص نبودن جایگاه اعتباردهی نهادهای بین المللی در پروسه تضمین و ارتقای کیفیت ملی از عمده ترین چالش های حقوقی فراروی این پروسه می باشند.

چالش های کاربردی پروسه تضمین کیفیت به خصوص رهنمود ساختاری و وظیفوی برنامه های ارتقای کیفیت و همچنان چک لیست ارزیابی اختصاصی (359) پوهنخی های علوم طبیعی و علوم اجتماعی مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی برخورد متناقض وزارت تحصیلات عالی در گذشته نسبت به این اسناد، که از یک طرف تجویزاتی را به عنوان معیارهای امتیاز دهی به مؤسسات متذکره معرفی نموده، از سوی دیگر خود در مغایرت با آن معیارها اقدام می نماید، مبهم بودن خیلی از موضوعات مندرج در چک لیست ها که باعث تفسیر و برداشت های متعدد و متفاوت می گردد و کلی گویی در این چک لیست ها که می تواند در خیلی موارد، باعث دل سردی و فرار نهادهای بررسی شونده گردد. در کنار موارد یاد شده چالش های اجتماعی چون عدم موجودیت یک نیاز سنجی مبتنی بر معیارهای علمی پذیرفته شده که بتواند مبنای درست عملکرد مراکز عرضه کننده خدمات علمی، فرهنگی و تحقیقی قرار گیرد، از سوی دیگر نهادهای نظارت کننده ارتقای کیفیت و اعتباردهی مطابق نیازهای موجوده جامعه که فهم آن از طریق پروسه متذکره ممکن است در تعریف مقررات و معیارها اقدام نمایند. همچنان نهادینه نشدن فرهنگ ارتقای کیفیت و اعتبار دهی به دلایل چون بی ثباتی سیاسی و نو بودن پروسه، مواردی است که تضمین و ارتقای کیفیت را به مشکل مواجه ساخته و مانع رسیدن به اهداف مطلوب می گردد.

۶. پیشنهادات

باتوجه به آنچه بررسی گردید پیشنهادات ذیل به آدرس های مختلف مطرح می گردد:

- 1 - پیشنهاد به حکومت امارت اسلامی این است که به پروسه تضمین و ارتقای کیفیت به عنوان یک پروسه ملی نگاه کرده و قبل از هرگونه اقدام عملی در این زمینه، چارچوب حقوقی آنرا مشخص نماید.
- 2 - ریاست تضمین کیفیت و اعتبار دهی بهتر است که از چوکات وزارت تحصیلات عالی به عنوان یک نهاد مستقل ملی (ارزیابی و اعتباردهی) مبدل گردد تا اقدامات تمامی نهادهای دخیل در امور تضمین، ارتقای کیفیت و اعتباردهی را نظارت نماید.
- 3 - در صورت عدم ایجاد نهاد پیشنهادی شماره (2) ایجاد توازن در عضویت "اداره و بورد ارتقای کیفیت و اعتباردهی آکادمیک" میان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی از طریق تعریف شرایط یکسان جهت عضویت در بورد متذکره که قابل احراز برای استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی نیز باشد، تا از تصامیم یکجانبه و مطابق میل پوهتون های دولتی و مخالف با واقعیت های موجود در مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی جلوگیری صورت گیرد.

- 4 - مشخص کردن جایگاه اعتباردهی نهادهای بین المللی به مؤسسات تحصیلات عالی در پروسه ارتقای کیفیت و اعتباردهی ملی.
- 5 - مشخص کردن مراجع گزارش دهی برای نهاد های دخیل در پروسه تضمین و ارتقای کیفیت.
- 6 - ریاست تضمین کیفیت و بورد اعتبار دهی به مساعی همدیگر معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی را باید مبتنی بر نظرسنجی علمی و همه جانبه تعریف نمایند، تا از این طریق شاهد یک نظام تحصیلات عالی با کیفیت باشیم.
- 7 - در تعریف معیارها توازن بین امورات شکلی و ماهوی در نظر گرفته شود تا از کاغذ پراگنی های غیر موجه جلوگیری صورت گیرد.
- 8 - ایجاد میکانیزم مشخص جهت رسیدگی به شکایات ناشی از پروسه تضمین و ارتقای کیفیت.
- 9- ایجاد میکانیزم مشخص نظارتی از پروسه تضمین و ارتقای کیفیت تا اصل شفافیت در آن تأمین گردد.
- 10 - درکنار تطبیق پروسه تضمین و ارتقای کیفیت، همچنان اعتباردهی به فرهنگ سازی در این زمینه نیز توجه صورت گیرد.

About the Author

Mr. Mohammad Reza Darmani, Assistant Professor and Academic Administrator Department of Law, Kardan University, Kabul Afghanistan. < r.darmani@kardan.edu.af > ORCID ID: 0000-0002-4064-1764